

ای مہنم

سایون پساوند

انتشارات نوید شیراز



سرشناسه	:	پساوند، شاپور، ۱۳۳۰
عنوان و نام پدیدآور	:	ای میهنم / شاپور پساوند
مشخصات نشر	:	شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	:	۱۵۲ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۸۰۰-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian poetry -- 20th century
ده‌بندی	:	۱۳۹۷ ۱۹۳ الف ۲ س / PIR۷۹۹۲
زمانه	:	۱۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۵۶۲۵۹۱



ای میهنم

سروده‌ی: شاپور پساوند

صفحه‌آرا: ندا گزینی ○ طرح جلد: کانون آگهی و تبلیغات سی راه
لیتوگرافی و چاپ: دنیا ○ تیراژ: ۵۰۰ جلد ○ چاپ اول: ۱۳۹۹ ○ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز- تلفن ۳۲۲۲۶۶۶۱-۶۲ نمابر ۳۲۲۲۹۶۷۶-۷۱

دفتر تهران- تلفن ۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر ۸۸۹۲۱۵۲۲-۲۱

پست الکترونیکی: navideshiraz.pub@gmail.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

ISBN: 978-600-192-800-0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۸۰۰-۰

۲۵۰۰۰ تومان

فهرست سروده‌ها

۴۸.....	اجاق شقایق	۹.....	نخست شعر
۵۰.....	بوسه‌ی ابلیس	۱۳.....	دیگر سخن
۵۴.....	بغض غریب	۱۸.....	دختر ایلاتی
۵۶.....	یا عشق یا تو	۲۰.....	خشم ایرانی
۵۸.....	ای زن من کو؟	۲۴.....	ای میهنم
۶۰.....	دخترم بنویس	۲۶.....	صبح را آینه شو
۶۲.....	در خبر آب گذاشتیم	۲۸.....	اشک قلم
۶۴.....	حصر حمله	۳۰.....	زن
۶۶.....	غزل	۳۲.....	خلیج پارس
۶۸.....	پرستو	۳۴.....	خواندم سرود میهنم
۷۰.....	شام آخر	۳۶.....	کوروش
۷۲.....	صبح	۳۸.....	چون شقایق
۷۴.....	خدا میداند	۴۰.....	دستی بر آتش
۷۶.....	تو خراباتی	۴۲.....	معبد چشم تو کو؟
۷۸.....	شط خون	۴۴.....	اما میاور
۸۰.....	آی نقاش!	۴۶.....	اگر تو می‌شدی خدا

۱۱۴.....	باغ منی	۸۲.....	نان و نمک
۱۱۶.....	جوانی کو	۸۴.....	گلوی زخمی شعر
۱۱۸.....	طوقی	۸۶.....	تو بمان
۱۲۰.....	کدام دست!	۸۸.....	دستی که می چکاند
۱۲۲.....	نسل پوچی	۹۰.....	ایران زیبا
۱۲۴.....	ترانه‌ی دانوب	۹۲.....	بهار نامد
۱۲۶.....	غمّت مباد	۹۴.....	پیوندهای امسال
۱۲۸.....	نه اذانی از خروسی	۹۶.....	خورشید رهد
۱۳۰.....	بغض پریدن	۹۸.....	شط ساهت
۱۳۲.....	عطر گل های سپیدم	۱۰۰.....	در کوره‌ی خورشید
۱۳۴.....	صدای آب	۱۰۲.....	شعله‌ی شیطانی
۱۳۶.....	مشعل باده	۱۰۴.....	مردی ز نسل باران
		۱۰۶.....	تا همیشه
۱۳۹.....	دوبیتی‌های چند	۱۰۸.....	جانم وطن
		۱۱۰.....	مرغ سحر
		۱۱۲.....	این بهشتی وطن

نخست سخن

بازنمی‌ی بر پند شعر این مجموعه:

همانگونه که تاریخ و سن و سال این شعرها پیداست، این چند سروده از آثار سال‌های ده من، یعنی چیزی بین هفده تا بیست و چند سالگی‌ام می‌باشند، البته با سمن حال و هوای سال‌های جوانی که نخست‌گرایی به استفاده از آن‌ها در مجموعه‌ی حاضر، نداشتم. زیرا یکبار که در سال‌های ۵۵ تصدیق به چاپ آن‌ها با عنوان (فریادها) گرفتم و بر سرشان (چنانکه افند و دان...) آمد، دیگر از خیرشان گذشتم. تارسیدیم به زمان حال. خوب اندامی‌پنداشتم اگر از زمان سرودن آن‌ها زیاد هم نگذشته باشد، برای چاپ‌شان دیگر دیر است، اما تشویق یاران، من را برای انجام این کار خدش زد. از این رو بر آن شدم که از میان چکامه‌هایی که در آن سال‌ها، و سال‌های نزدیک آن نیز، بیش‌تر دست به دست شده و گاه سطرهایی ازین شعرش سر زبان‌هاست، حتی بی‌آن که برخی بدانند سراینده‌اش کیست، تعدادی را در این جا گرد آورم.

گزیرش دوستان درست بود، شاید برخی از این شعرها برای شصت سالگی شاعر در ظاهر جز یادی همراه با آه و افسوس از جوانی که چه

زود گذشتند و برخی موضوعات! حرفی نداشته باشند، اما برای آنان که هم‌اکنون این سالهای عمر را سپری می‌کنند و نیز آنان که در راه رسیدن به این مرحله از عمر خویش اند، هم تازه باشند و هم حرف سن و سالشان را بزنند. از طرفی هم بر این باورم که: تا شعری از ویژگی‌های یک اثر ماندگار بهره‌مند نباشد، در حافظه‌ی مردم نمی‌ماند، و هم‌اکنون مانند در یادها نیز یکی از هنجارهای ماندگاری است، اگر همه سطری از کتاب یک شعر باشد. و استفاده از آن در یک مجموعه را نباید به حساب خط مولف گذاشت. به عنوان نمونه بسیاری از دوستداران شعرو هنرمندان و نویسندگان مطرح امروز نظیر دکتر صف‌شکن، ابوتراب خسروی، دکتر عزیز شبانی و ... بارها برایم گفته‌اند که مثلاً هنوز هم شعر:

زیسکه آب نوشتیم بر خوندیم آب

سند اب زمّت کتاب جاری شد

که از شعرهای همان سالهای من است، از خاطرشان نرفته است. و نیز غزلی دیگر از همان سالها را که استاد زنده باد خواننده‌ی میهنی محمد نوری به دفعات هم در حضور دیگران و هم برای خودم باشوری خاص زمزمه می‌کرد:

کجا به آب رسد ریشه‌ای که ما داریم

اگرچه در تن این خاک ریشه‌ها داریم

الآخر...

زنده‌یاد محمد نوری در همان سالها از قول دکتر براهنی نقل می‌کرد: «چنین شعرهایی امروز کمتر دیده می‌شود.»

انگیزه‌ی دیگر که شاید مهم‌تر از مورد نخست در بهره‌گیری از این چکامه‌های دیر سال برایم وجود داشت سهم خواننده است. خواننده حق دارد بداند سراینده‌ی شعری که در حافظه‌ی اوست کیست؟ هنگام

آفرینش آن اثر چه حسی داشته و به جهان پیرامونش چگونه می‌نگریسته به ویژه آنگاه که به دنبال جهان بینی شاعر و شناخت اوست. اگر بخواهد سیر اندیشه‌ی شاعر و حرکت تکاملی او را در شعرش دنبال کند، نباید وی را از در اختیار داشتن آثار گذشته‌ی صاحب اثر محروم کرد. آنهم به صرف شعارهایی نظیر «شاعر را باید در اشعار امروزش جستجو کرد!» این سخن کاملاً نادرست است. به باور صاحب این قلم در بررسی و شناخت خاستگاه فکری و سیر تکاملی آثار یک شاعر، و در این جا شاعر، باید او را در تمامی شعرهایش جستجو کرد، از تولد نخستین اثر جدی او تا لحظه‌ی حال، و البته نه هر سیاه مشقی! است کم آنچه در مطبوعات چاپ شده، که بر صفحه‌ی شعر هر کدام هم صاحب نظری نظارت داشته است.

در هر حال همه آثار شاعر از دور و دیر تا اکنون است که به پژوهنده شناخت در دسترس است می‌دهد، نه تنها شعرهای یک دوره خاص از زندگی او. آری چنین شد که این چند غزل رانیز و البته همان گونه که بیان شد به پیشنهاد این نویسنده از میان سروده‌های دوران جوانی برگزیدم تا در کنار دیگر آثار کنونی‌اش قرار گیرد. در این میان گفتنی است که از این چند چکامه شعر در دسترس کامل برخی را که در جنگ‌ها و گاهنامه‌های سالهای دور، چهل و هفت و پنجاه و پنج چاپ شده بود نیافتم. اصل در همان سال‌ها هم، ندیده‌ام چرا علاقه‌ی چندانی به جمع‌آوری و نگاه داشتن مطبوعات که آثارم را چاپ می‌کردند نداشتم. امروز هم حافظه‌ام برای یادآوری صورت کامل بعضی از آن‌ها بیش از این یاری نکرد، و در به خاطر آوردن همین چند سطر از هر غزل هم، سهم اصلی راهم سرم داشت که لازم است از اوتشکر ویژه کنم. زیرا هم دفتر شعر آن سال‌هایش، سال‌های پیش از پیوندمان را در اختیارم گذاشت و هم از حافظه‌اش یاری زیادی گرفتم.